

### نکات مهم:

- ۱- "یارانه‌های قیمتی" مخصوصا در مورد حامل‌های انرژی، سبب اسراف گسترده شده بود.
- ۲- توسعه از نوع ایرانی معمولا به شکل نظامی (جاده و پل) بوده است. به همراه این نگرش توسعه، سیاست یارانه قیمتی - که سبب ارزان شدن سفر با ماشین شخصی شده بود- تبعات جانبی نامطلوب مثل، تخریب محیط زیست و آلودگی شدید هوا را به همراه داشته است.
- ۳- سیاست قیمتی زمانی کارایی دارد که اتفاقا "افزایشی" باشد و نه "یارانه‌ای" و آن هم زمانی است که دولت بخواهد رفتار مردم را در میزان و نحوه مصرف تحت کنترل قرار دهد. اتفاقا اگر قیمت بنزین بالاتر از قیمت تعادلی باشد، برنامه‌ریزی‌ها دقیق‌تر و مصرف کمتر می‌شود. در حال حاضر قیمت بنزین به عنوان یک کالای غیر بازاری - که توسط دولت تعیین قیمت می‌شود- کمتر از آب است. بنزین ۱۰۰۰ تومانی همچنان یارانه‌ای است و قیمتی نزدیک به آب دارد و طبقات پردرآمد همچنان دارد از این موهبت بیشتر برخوردار می‌شود.
- ۴- یارانه قیمتی همواره مورد نقد بسیار بوده است. به علت یارانه‌ای بودن بنزین، مصرف به حدی بالا رفته بود که دولت امکان پرداخت یارانه اضافی را نداشت و چاره‌ای جز اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها نبود.
- ۵- شاید اولین سیاست حمایتی مطالعه شده در دنیا، مربوط به آمریکا باشد که دولت اقدام به توزیع کوپن ویژه برای خرید محصولات کشاورزی کرد و مردم می‌توانستند به مناطق کشاورزان بروند و با آن کوپن‌ها محصول کشاورزان را بخرند که محصول روی دست کشاورز نماند. در ایران نیز خرید سب‌زمینی از کشاورزان و توزیع در مناطق مختلف - هر چند زمانش مناسب نبود - اقدامی در جهت حمایت از کشاورزان بوده است.
- ۶- آمریکا در گام‌های بعدی برای سایر محصولات نیز این سیاست را ادامه داد و اجازه داد سایر محصولات نیز با آن کوپن‌ها خریداری شود ولی در عمل آن کوپن‌ها صرف مواد دخانی شد و صرف مایحتاج زنان و کودکان نمی‌شد که در تناقض با هدف سیاستگذار بود. البته کوپن‌ها مجدداً به کالای خوراکی مورد استفاده خانوار غیر از الکل و دخانیات محدود شد ولی این بار مردان سرپرست خانوار، آن را صرف نیازهای شخصی خود می‌کردند و باز هم زنان و کودکان نصیب کمی داشتند و این یک پارادوکس سیاست‌گذاری بود.
- ۷- معمولا مشاهده می‌کنیم دولت در بخش آموزش فنی حرفه‌ای، بهداشت و درمان، دارو و آموزش عمومی، سیاست حمایتی اتخاذ می‌کند ولی یارانه به سمت دیگری منحرف می‌شود.
- ۸- آقای مردوخ‌ی در مصاحبه‌ای کاهش ساعت کار، کاهش مشارکت نیروی کار و کاهش عرضه نیروی کار را نتیجه اجرای سیاست هدفمند سازی یارانه‌ها عنوان کرده بودند که ما در تحقیق خود بر آن تکیه کردیم و راستی آزمایی این موضوع مورد توجه ویژه قرار گرفت.
- ۹- قبل از اجرای سیاست "یارانه‌های نقدی"، سیاست "یارانه قیمتی" در مورد حامل‌های انرژی (شامل همه انواع هزینه ایاب و ذهاب شخصی و عمومی و هزینه این حامل‌ها برای خوراک و گرمایش) جاری بود.
- ۱۰- قبل از اجرای سیاست یارانه‌های نقدی سهم حامل‌های انرژی در هزینه‌های مربوط به دهک دهم ده برابر همین شاخص در دهک اول بود و دهک هشتم نیز ۴ برابر دهک اول. یعنی دهک دهم ده برابر بیشتر از دهک اول از یارانه‌ها برخوردار می‌شد که متناقض با هدف دولت در اعطای یارانه قیمتی بود. در سال اول بعد از اعطای یارانه نقدی، اختلاف بین دهک‌ها در نسبت برخورداری از یارانه‌ها به صورت قابل توجه کمتر شد که نشان از موفقیت اجرای طرح بوده است.

- ۱۱- بنابراین در روش اول یعنی یارانه قیمتی، همه جامعه بار مالی و تورمی آن را پرداخت می‌کردند ولی بهره‌برداری بیشتر مربوط به دهک بالا بود ولی در روش دوم یارانه به صورت عادلانه توزیع شده است بنابراین ارزش این را داشت که یارانه‌ها نقدی شود و ایرادی بر سیاست نیست.
- ۱۲- در سال‌های بعد نیز نسبت بر خورداری از یارانه‌ها و اختلاف دهک‌ها تعدیل شده ولی مشکلی که هنوز وجود داشت اختلاف بین دهک‌ها است که علتش وجود یارانه قیمتی با وجود هدفمندی یارانه‌ها است.
- ۱۳- نسبت یارانه نقدی به کل مخارج حامل‌های انرژی در دهک اول ۴ برابر شد که نشان داد درآمد قابل ملاحظه‌ای به این دهک‌ها انتقال پیدا کرده. البته دهک‌های بالای درآمدی نیز ۱.۵ برابر هزینه حامل‌های انرژی یارانه دریافت کردند که همین نشان می‌دهد یارانه توزیعی بیش از هزینه کل حامل‌های انرژی بوده است.
- ۱۴- سیاست پرداخت یارانه نقدی، مصرف انواع گوشت را در دهک‌های پایین بالا برده است که بسیار امیدوار کننده است.
- ۱۵- بعد از نقد شدن یارانه‌ها (در سال ۱۳۹۰) نسبت یارانه نقدی به کل مخارج در دهک اول در مناطق شهری ۵۲ درصد و دهک دوم ۴۸ درصد بود ولی در مناطق روستایی ۸۰ درصد هزینه‌های خانوار توسط یارانه‌های نقدی تأمین می‌شد.
- ۱۶- در سال ۱۳۹۰ طبقات پر درآمد نیز تا ۱۲ درصد از مخارج خود را از محل یارانه تأمین کرده‌اند و به همین علت منطقی است که به آسانی انصراف ندهند.
- ۱۷- در مورد اثر یارانه نقدی بر نرخ مشارکت: کاهش نرخ مشارکت گروه‌های مختلف سنی مردان و به ویژه زنان در شهر و روستا، طی سال‌های بعد از یارانه نقدی مربوط به روندی بوده که از سال ۱۳۸۴ شروع شده و ربطی به سیاست یارانه‌های نقدی نداشته است. بنابراین نگاه به آمار سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ کفایت نمی‌کند و روند قبل را هم باید نگریم. برای مثال نرخ مشارکت زنان شهری ۲۰ تا ۲۴ سال در سال ۱۳۸۴ برابر با ۲۵ درصد بوده که در سال ۱۳۹۵ به حدود ۱۴ درصد تقلیل یافته است و البته تمایل به کار برای خانم‌ها نیز کاهش یافته است که نیاز به بحث مجزا دارد. در روستا نیز وضعیت به همین صورت بوده است.
- ۱۸- در کتاب "تدارو" در خصوص "اقتصاد کشاورزی" آمده که «زندگی روستایی فقط یک حرفه نیست بلکه یک مشی زندگی است».
- ۱۹- ساختار و مناسبات تولید در ایران بعد از سال ۱۳۸۴ دگرگون شده و وقتی ساعت کار مردان روستایی بسیار کم شود طبیعی است که نرخ مشارکت خانم‌ها نیز کاهش می‌یابد. از طرف دیگر می‌دانیم که تمایل به کار در روستا نیز در مجموع کاهش یافته است.
- ۲۰- از سال ۱۳۹۲ اتفاق جدیدی در اقتصاد روی داده است و آن افزایش نرخ مشارکت (افزایش تمایل به کار زنان و مردان) که سبب شده نرخ بیکاری نیز افزایش یابد. حتی اثر فصل نیز در جویایی کار نقش زیادی نداشته و از این رو هم در فصل زمستان و هم در تابستان، تمایل به کار افزایش یافته است.
- ۲۱- تعداد شاغلین بخش کشاورزی از ۵۱۰۰ هزار در سال ۱۳۸۴ به ۳۸۰۰ هزار در سال ۱۳۹۴ رسیده است و چون تولید به قیمت ثابت، تغییر چندانی نداشته است، بهره‌وری در این بخش افزایش یافته است. البته در هند و آمریکا و آفریقای جنوبی نیز چنین اتفاقی در حال تکرار شدن (یعنی ماشینی شدن همراه با خروج نیروی انسانی) است. بیکاری در اثر ماشینی‌زم، یک مشکل بزرگ نسل بعدی ما است و شاید به همین دلیل هست که دولت‌ها تمایل بر نرخ رشد جمعیت کمتری دارند.
- ۲۲- شغل‌هایی که در سال ۱۳۹۴ برای افراد جویایی کار ایجاد شدند، ارتباط زیادی با تخصص افراد نداشته است.